

دیوار ننگ

ماتیو بروباچر

دولت آمریکا برای تسهیل اجرای طرح های خود درباره عراق، نماینده ای به نام ویلیام برنز (*William Burns*) را به خاور میانه اعزام کرده است تا طرح صلح «کوارتت» (*Quartette*) را که به منظور استقرار یک دولت فلسطینی در سال ۲۰۰۵ به وجود آمده، دوباره فعال کند. اما آریل شارون بویژه با رد عقب نشینی از سرزمین های مجدداً اشغال شده، پیشنهاد جامعه بین المللی را نپذیرفته است. بدین ترتیب، دولت اسرائیل کسب وقت می کند تا، از جمله، در ساختن دیواری تسریع کند که از هم اکنون قسمتی از سرزمین های ساحل غربی را ضمیمه اسرائیل می سازد.

نویسنده مقاله، ماتیو بروباچر (*Mathiew Brubacher*) پژوهشگر در مؤسسه تحقیقاتی بیت الشرق در قدس است که فیصل حسینی مؤسس آن بود و خود سرپرستی آن را تا زنده بود بر عهده داشت. نویسنده مقاله مشاور هیأت نمایندگی فلسطین در مسأله بیت المقدس است.

«دیوار امنیتی» که دولت اسرائیل گرداگرد سرزمین های ساحل غربی رود اردن و بیت المقدس می کشد چشم انداز جغرافیایی و سیاسی خاور میانه را از اساس تغییر خواهد داد. اسرائیل با کشیدن حصار که ارتفاع سه برابر دیوار برلین و پهنایش دوبرابر آن است - دیواری که آلمان شرقی آن را «دیوار صلح» می نامید و آلمان غربی آن را «دیوار ننگ» -، به طور یکجانبه بخش قابل توجهی از ساحل غربی را به خود ملحق کرده و موانع نظامی دور شهرهای فلسطینی را تنگ تر ساخته و در نتیجه اهالی را کاملاً محبوس کرده است.

طی انتفاضه اول (۱۹۸۷-۱۹۹۳)، زمانی که دولت یهود گرداگرد نوار غزه را حصار از سیم برقرار و غیر قابل نفوذ کشید نخستین دیوار دور این باریکه زمین کشیده شد. این حصارها به اسرائیل امکان داد تا علاوه بر حفظ سلطه اش بر ۱۶ کولونی (مستعمره مهاجر نشین یهودی) تحرك و رفت و آمد فلسطینی ها را نیز کنترل کند. هم اکنون ۲۰ درصد غزه تحت کنترل اسرائیل است و جمعیت یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری آن در سه بخش تفکیک شده این ناحیه که وسعت آن به سختی به دوبرابر شهر واشنگتن می رسد، محبوس گشته اند.

فلسطینیان ساحل غربی به سرنوشت فلسطینی های غزه دچار خواهند شد. هدف اولین مرحله این طرح جدا ساختن اسرائیل از بخش اعظم شمال سرزمین های ساحل غربی ست. اگرچه این حصار بر روی مرزهای ۱۹۶۷ قرار دارد ولی با الحاق کولونی های متعدد به اسرائیل، چندین ناحیه کلیدی فلسطینی را دور زده رابطه آن ها را با هم قطع می کند. نواحی فلسطینی مانند دهکده کفین از ۶۰ درصد از اراضی کشاورزی خود محروم شده و نواحی دیگری مانند شهر قلقلیلیا نه تنها زمین های کشاورزی خود را از دست می دهد، بلکه به خاطر وجود این حصارها ارتباطش هم از سرزمین های ساحل غربی و هم از اسرائیل قطع می گردد. هر کیلومتر از دیوار این بخش، برای دولت اسرائیل یک میلیون دلار تمام می شود. این دیوار توسط جدارهای بتونی ۸ متری و برج های دیدبانی در فاصله هر ۳۰۰ متر و نیز با خندق هایی با عمق ۲ متر، سیم های خاردار و جاده های انشعابی (که محلات فلسطینی را دور می زند) تقویت می گردد.

اولین قسمت دیوار (از شمال) به طول ۹۵ کیلومتر از سلم (*Salem*) تا کُفرقاسم کشیده شده و ۱/۶ از اراضی ساحل غربی را عملاً به اسرائیل الحاق می کند که شامل ۱۱ مستعمره (کولونی) اسرائیلی ست و ۱۰ هزار فلسطینی. دولت یهود در نظر دارد این ناحیه را به گونه ای به اسرائیل ملحق کند که هنگام از سرگیری مذاکرات بر

سر وضعیت نهائی فلسطین، بازگشت به عقب آنچنان از نظر سیاسی گران تمام شود که این الحاق غیر قابل برگشت تلقی گردد. اینجا ست که با استراتژی تغییر مکان خط سبز (مرزهای ۱۹۶۷) رو برو هستیم.

آنچه برای آرزوهای فلسطینی ها در راه برقراری يك دولت از اینهم مصیبت بارتر است کشیدن دیوار دور بیت المقدس شرقی ست. در حالی که در شمال، دیوار در ۸ کیلومتری مرزها در درون سرزمین ها کشیده می شود، در بیت المقدس، دیوار در عمق بسیار زیادتری کشیده خواهد شد. این اختلاف نشان دهنده این است که منطق اسرائیل در مورد دیوار شمال و دیوار بیت المقدس متفاوت است. خواست های حداقل اسرائیل که با پیشنهادهای ارائه شده در مذاکرات کمپ دیوید (ژوئیه ۲۰۰۰) و در طابا (مصر، ژانویه ۲۰۰۱) تطابق داشته ثابت می کند که دولت یهود قصد آن دارد که کولونی های شمال را که هم اکنون در آن سوی دیوار واقع است برای خود حفظ کند. این امر مؤید آن است که همان گونه که آرل شارون و بن الیعازر، وزیر دفاع، بارها تأکید کرده اند دیوار در این منطقه به مثابه يك مرز سیاسی تلقی نمی شود. اما، برپایی دیوار در اورشلیم بازتاب تمایلات اسرائیل و نمایانگر چنین مرزی ست.

دولت یهود برای تحکیم کنترل بیت المقدس بزرگ برنامه ساختمان سازی را در این منطقه متمرکز ساخته است. در «نقشه توسعه توسعه اورشلیم» که در آغاز سال به تأیید شارون رسیده است، دیوار بر اساس محدوده ای از بیت المقدس کشیده می شود که اسرائیلی ها آن را پس از الحاق بیت المقدس شرقی در ۱۹۶۷ تعیین کرده اند و علاوه بر آن دو ناحیه بزرگ مجتمع استعماری گیوون و معال آدومیم را که بیرون از منطقه الحاقی قرار دارند دربر می گیرد.

آنچه را که ساخته شده برای خود حفظ خواهیم کرد

الحاق بیت المقدس بزرگ در دولت یهود مشکلات پیچیده متعددی پدید می آورد، زیرا به ضمیمه کردن شمار زیادی از فلسطینی ها منجر شده و تضاد بین الزامات جمعیتی (دموگرافیک) و الزامات امنیتی را برجسته می نماید. برای حل این مشکل، اسرائیل مصمم است دور بیت المقدس دو دیوار بنا کند. دیوار اول داخلی ست و عمدتاً در مرزهای قلمرو شهرداری که اسرائیل تعیین کرده ساخته می شود و دیوار دوم بیرونی ست که دور کولونی ها کشیده می شود. برخلاف دژهای قرون وسطایی، دیوارهای بیت المقدس دارای جریان برق بوده يك جاده کمربندی انحرافی و در برخی نقاط خندق ها و جدارهای بتونی و دستگاه های ردیاب آن را تکمیل خواهد کرد.

ساختمان دو دیوار چنان طراحی شده که به صورت يك گردن بند خط رابطی بین کولونی های اسرائیلی موجود و نواحی نظامی ایجاد کند. قصد اسرائیلی ها این است که کولونی هایی را که سابقاً از طریق يك نوار امنیتی محافظت می شد مجدداً ضمیمه کرده، بدین ترتیب، تمام فضاهایی که این کولونی ها را جدا می کند کنترل نماید.

در حال حاضر، توجه اسرائیل متمرکز است بر ساختن موانعی که مناطق اسرائیلی را از اهالی فلسطینی جدا می کند. در شمال، اسرائیل دیواری ساخته است که از منطقه قلندیه می گذرد، به منظور آنکه بیت المقدس را از رام الله جدا سازد. در شرق، به موازات جبل الزیتون يك دیواره بتونی ساخته شده تا مناطق فلسطینی ابودیس و عزاریه را از بیت المقدس جدا سازد. در جنوب، يك دیوار و خندق، بیت اللحم را از بیت المقدس جدا می کند و علاوه بر آن بخش قابل ملاحظه ای از زمین های شهری فلسطینی را به اسرائیل ملحق می سازد. بدین ترتیب، اسرائیل محوطه ای را که به مقبره راشل معروف است - و هم برای یهودیان و هم برای مسلمانان مقدس به شمار می رود - به خود الحاق می کند، در حالی که این ناحیه کاملاً در داخل بیت اللحم و در حاشیه اردوگاه پناهندگان قرار دارد.

شهردار بیت المقدس ایهود اولرت هم با سوء استفاده از فقدان محکومیت بین المللی این اعمال، ساختمان يك

دیوار دور «کفرعقب» و اردوگاه پناهندگان قلندیه در دست اقدام دارد. اهالی فلسطینی این ناحیه که در حوزه شمالی شهرداری اسرائیلی بیت المقدس قرار دارد کارت اقامت دارند و مالیات پرداخت می کنند اما از خدمات شهرداری محروم اند. از طرف دیگر ورود آنان به بیت المقدس به خاطر پست بازرسی قلندیه با موانع و محدودیت رو برو ست. علاوه بر آن، آقای اولرت قصد دارد جهت قطع این ناحیه از ساحل غربی رود اردن دیواری اضافی بسازد و بدین نحو، اهالی را در یک زندان بالقوه محبوس نماید.

با پایان ساختمان دیوار از شمال ساحل غربی تا بیت المقدس، دولت یهودی ۷ درصد از اراضی ساحل غربی را به خود ملحق می سازد که ۳۹ مستعمره (کولونی) و تقریباً ۲۹۰ هزار فلسطینی را دربر می گیرد. از این عده هفتاد هزار نفر به طور رسمی، حق اقامت در اسرائیل نداشته و لذا حق سفر یا استفاده از خدمات اجتماعی اسرائیلی را ندارند. آن هم در حالی که اسرائیل امکان زیست آنان را در ساحل غربی به کلی از بین برده است. شرایطی که این ۷۰ هزار نفر در آن بسر می برند فوق العاده آسیب پذیر است و شک نیست که آنان به تدریج مجبور به مهاجرت خواهند شد. اگر دیوار به سمت جنوب تا الخلیل ادامه یابد، تخمین زده می شود که اسرائیل ۳ درصد دیگر از اراضی را نیز به خود ضمیمه کند.

دولت اسرائیل بنا بر این اصل که می گوید: «هرآنچه را که امروز ساخته شود، فردا برای خود حفظ خواهیم کرد» ساختمان دیوار و گسترش کولونی ها را عملی می سازد. هرچند این اعمال برخلاف قانون بین المللی و از جمله ده ها قطعنامه سازمان ملل متحد است، هیچگونه ساز و کاری برای جلوگیری از این خلاف قانون ها وجود ندارد. اگر پارامترهای پیشنهادی پرزیدنت کلینتون را در دسامبر ۲۰۰۰ به خاطر بیاوریم که می گفت «هرآنچه در بیت المقدس یهودی ست اسرائیلی خواهد شد و آنچه عربی ست فلسطینی»، خواهیم دید که چرا گسترش و تقویت مستعمره ها موجب می شود که برجیدن آن ها گران تر و باز هم دشوارتر گردد.

اگر جامعه بین المللی در پشتیبانی از «کوارتت» (۱) و پیشنهاد از سرگیری مذاکرات برای وضعیت نهائی تا سه سال یا پنج سال آینده، متفق القول به نظر می رسد ولی برای نوع دولت فلسطین که در آن هنگام مورد مذاکره قرار خواهد گرفت چندان فکری نکرده است. برای اینکه مذاکرات بخت از سرگیری و پیشروی داشته باشد نه تنها باید جامعه بین المللی متوقف کردن مستعمره سازی را بر اسرائیل تحمیل نماید، بلکه اقداماتی را نیز جهت تشویق کولون ها به عزیمت از سرزمین های اشغالی به کار بندد. چنین سیاستی نباید تابع هیچ پیش شرط یا آتش بسی باشد. مذاکرات صلح باید به پرونده های زیادی رسیدگی کند، اما باید گفت که پرونده کولونی ها و ساختمان دیوار خطری واقعی و بنیادی برای صلح در منطقه و - دقیق تر بگوییم - خطری برای چشم انداز همزیستی بین دو دولت مستقل و بادوام خواهد بود.

(از لوموند دیپلوماتیک نوامبر ۲۰۰۲، ترجمه بهروز افشین)

۱- کوارتت: هیأتی مرکب از چهار طرف: سازمان ملل، ایالات متحده، فدراسیون روسیه و اتحادیه اروپا که کوشش می کنند برای صلح در خاور میانه به موضعی مشترک دست یابند.